



تحلیل شبکه‌ای زنجیره تامین کالاهای استراتژیک ایران در شرایط بی‌ثباتی جهانی

فاطمه سبک خیز^۱

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

چکیده

در محیط به شدت متلاطم و در حال گذار نظام بین‌الملل کنونی، تامین امنیت پایدار کالاهای استراتژیک به یکی از ارکان بنیادین و اجتناب‌ناپذیر حفظ حاکمیت و بقای دولت‌های مستقل تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت خاص و استراتژیک ژئوپلیتیک خود و همچنین مواجهه مستمر با رژیم تحریم‌های پیچیده، یکجانبه و چندجانبه غربی، نیازمند بازطراحی و مهندسی مجدد معماری تجارت خارجی و مسیرهای ترانزیتی خود می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل شبکه‌ای زنجیره تامین کالاهای استراتژیک ایران در شرایط بی‌ثباتی فزاینده جهانی و با رویکردی انتقادی نسبت به الگوهای سنتی واردات و صادرات انجام شده است. این مطالعه راهبردی با اتخاذ رویکردی توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری گسترده از داده‌های معتبر کتابخانه‌ای، اسناد بالادستی و گزارش‌های نهادهای مرجع، در پی پاسخگویی به این پرسش کلیدی است که چگونه می‌توان تاب‌آوری اقتصادی و ساختاری کشور را در برابر شوک‌های سیستماتیک و غیرقابل پیش‌بینی ارتقا داد. نتایج حاصل از این واکاوی نشان می‌دهد که تمرکز هوشمندانه بر رویکردهای شبکه‌ای پیچیده، توسعه هدفمند هاب‌های لجستیک مرزی و تنوع‌بخشی ساختاری به مبادی وارداتی کالاهای اساسی و نهادهای تولید، می‌تواند اثرات مخرب و فلج‌کننده تحریم‌ها را به حداقل ممکن تقلیل دهد. همچنین، پیگیری یک دیپلماسی اقتصادی عمل‌گرایانه و بهره‌گیری از ظرفیت‌های پیمان‌های منطقه‌ای به عنوان کاتالیزورهای قدرتمند در این مسیر صعب‌العبور عمل می‌کنند. بازنگری اساسی در سیاست‌های صنعتی با رویکرد حفظ و ارتقای تاب‌آوری زنجیره ارزش، یگانه رمز عبور موفقیت‌آمیز از بحران‌های پیش‌رو ارزیابی می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تحلیل شبکه‌ای، زنجیره تامین، کالاهای استراتژیک، بی‌ثباتی جهانی، تاب‌آوری اقتصادی.



۱ مقدمه

در دهه های اخیر، ساختار نظام بین الملل با تغییرات و تحولات بسیار سریع و شگرفی روبرو بوده است که تاثیرات عمیق و غیرقابل انکاری بر مبادلات اقتصادی و شبکه های درهم تنیده تجارت جهانی بر جای گذاشته است. نظام اقتصاد سیاسی بین الملل در مقطع کنونی دیگر بر پایه الگوهای سنتی، تک بعدی و خطی عمل نمی کند، بلکه به سمت سیستم های شبکه ای بسیار پیچیده و چندلایه ای حرکت کرده است که در آن هرگونه اختلال فیزیکی یا سیاسی در یک گره از این شبکه، امواج شوک آوری را به سراسر سیستم مخابره می نماید. در این محیط پر آشوب، سیال و بی ثبات، امنیت اقتصادی پایدار کشورها مستقیماً به میزان انعطاف پذیری و تاب آوری زنجیره های تامین آن ها گره خورده است و دولت های ملی ناگزیرند تا برای تضمین بقا و رفاه شهروندان خود، استراتژی های کاملاً نوینی را اتخاذ و عملیاتی نمایند (عباسی، ۲۰۲۵). اختلالات گسترده و بی سابقه در زنجیره های تامین بین المللی که ناشی از بحران های ژئوپلیتیکی، جنگ های تجاری قدرت های بزرگ و رقابت های ژئواکونومیک است، ضرورت بازنگری اورژانسی در سیاست های کلان تامین کالاهای اساسی و استراتژیک را بیش از پیش برای سیاست گذاران نمایان ساخته است. این امر کشورها را به سمت اتخاذ رویکردهای درونزا و در عین حال شبکه محور با کشورهای همسو و هم پیمان سوق داده است تا از آسیب پذیری خود در برابر تکانه های خارجی بکاهند (طاهری حسین خانی، ۲۰۲۵). جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان کشوری مستقل که دهه های متمادی تحت شدیدترین، جامع ترین و ظالمانه ترین تحریم های اقتصادی و مالی بلوک غرب قرار داشته است، از این قاعده کلی مستثنی نبوده و برای حفظ ثبات بازار داخلی خود به شدت نیازمند طراحی مدل های بومی، هوشمند و تاب آور برای مدیریت بهینه تجارت خارجی خود می باشد. در شرایطی که دسترسی آزادانه و متعارف به بازارهای مالی و پولی بین المللی با محدودیت ها و کارشکنی های جدی مواجه است، رویکرد تحلیل شبکه ای می تواند به عنوان یک ابزار مفهومی و عملیاتی قدرتمند برای سیاست گذاران کشور عمل نماید (همت افزا و همکاران، ۲۰۲۴). این ابزار حیاتی به برنامه ریزان استراتژیک اجازه می دهد تا با شناسایی دقیق گره های آسیب پذیر و پرخطر در زنجیره واردات، مسیرهای جایگزین، امن و پایداری را در تجارت کالاهای حیاتی خلق نمایند.

این رویکرد مدرن در تحلیل زنجیره تامین به سیاست گذاران اجازه می دهد تا با درک عمیق تر و واقع بینانه تر از پویایی های توزیع قدرت و ثروت در سطح منطقه و جهان، تصمیمات بسیار دقیق تر و کم هزینه تری را برای تامین قطعی امنیت غذایی، دارویی و صنعتی کشور در شرایط بحران اتخاذ نمایند. جلوگیری از تبدیل شدن فشارهای مقطعی و هدفمند اقتصادی به بحران های فراگیر و مزمن اجتماعی، نیازمند یک نقشه راه لجستیکی است که در آن تمامی سناریوهای بدبینانه و احتمالات قطع دسترسی به مبادی سنتی واردات پیش بینی و برای آن ها راهکارهای عملیاتی اندیشیده شده باشد. تغییرات ساختاری در معماری زنجیره تامین تنها یک مسئله صرفاً فنی، بازرگانی و مهندسی نیست، بلکه ابعاد عمیق سیاسی، امنیتی و ژئواستراتژیک دارد که نیازمند تحلیل های جامع، چندبعدی و فرارشته ای از سوی متخصصان حوزه های مختلف است (موسوی و همکاران، ۲۰۲۶). ایجاد یک توازن پایدار و منطقی میان نیازهای روزافزون داخلی و محدودیت ها یا فشارهای خارجی، مستلزم شناخت بسیار دقیق و نقطه ای شبکه پیچیده بازرگان، واسطه ها و ذینفعان در



عرصه تجارت منطقه‌ای و جهانی است. در این راستا، مفهوم تاب‌آوری زنجیره تامین دیگر به معنای بازگشت به حالت اولیه پس از وقوع یک شوک مخرب نیست، بلکه به معنای ارتقای ظرفیت سیستم برای جذب تکانه‌ها، تطبیق سریع با شرایط جدید و حتی بهره‌برداری از فرصت‌های خلق شده در دل بحران‌ها می‌باشد (نظری‌زاده و همکاران، ۲۰۲۳). این پارادایم شیفت در مدیریت استراتژیک اقتصاد ملی، می‌طلبد که ایران با بازتعریف نقش خود در جغرافیای اقتصادی اوراسیا و خاورمیانه، پیوندهای لجستیکی خود را با کشورهای همسایه و قدرت‌های نوظهور شرقی به شکلی معنادار و نهادینه تقویت نماید. استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و ایجاد هاب‌های توزیع کالا در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، از جمله راهکارهایی است که می‌تواند هزینه تحریم‌پذیری اقتصاد ایران را برای دشمنان به شدت افزایش داده و امنیت روانی جامعه را در خصوص تامین مستمر کالاهای ضروری تضمین نماید (جلیلیان، ۲۰۲۵). تحلیل شبکه‌ای در این بستر به ما نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با ایجاد ائتلاف‌های خرد و کلان تجاری، انحصار در مبادی تامین نهاده‌های حیاتی را شکسته و سبب وارداتی کشور را از خطرات ناشی از تمرکز بیش از حد مصون نگاه داشت.

بیان مساله

اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر در یک نقطه عطف و گذار تاریخی بسیار حساس قرار گرفته است که ویژگی بارز آن، تلاقی تشدید فشارهای سیستماتیک خارجی با ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر توسعه و نوسازی صنعتی در داخل است. ساختار سنتی و متصلب زنجیره تامین کالاهای استراتژیک در کشور، که برای سالیان متمادی بر پایه درآمدهای نفتی و واردات مستقیم از مبادی محدود غربی یا واسطه‌های منطقه‌ای مشخص بنا شده بود، کارایی و پایداری خود را در برابر نسل جدید تحریم‌های هوشمند به طور کامل از دست داده است. این وابستگی خطی و غیرشبکه‌ای باعث شده است تا اقتصاد ملی در برابر شوک‌های بیرونی، نوسانات شدید قیمت جهانی کالاها و همچنین مسدود شدن مسیرهای بانکی، به شدت شکننده و آسیب‌پذیر ظاهر شود و هزینه‌های تامین کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید به شکل سرسام‌آوری افزایش یابد (نعمت‌اللهی، ۲۰۲۳). فقدان یک نقشه جامع و شبکه‌ای از جریان کالا، اطلاعات و منابع مالی در تجارت خارجی کشور، مانع از آن شده است که نهادهای تصمیم‌گیر بتوانند در زمان بروز بحران‌های ناگهانی، واکنش‌های سریع، منعطف و پیش‌دستانه‌ای را از خود نشان دهند. در چنین شرایطی، مسئله اصلی و دغدغه بنیادین این پژوهش، چگونگی طراحی و استقرار یک مدل شبکه‌ای و چندلایه برای تامین کالاهای استراتژیک است که بتواند با کمترین هزینه ممکن، نیازهای حیاتی کشور را در شرایط بی‌ثباتی جهانی و انسدادهای مقطعی برآورده سازد (همت‌افزا و همکاران، ۲۰۲۴). این مهم مستلزم گذار از نگاه‌های بخشی و جزیره‌ای در مدیریت بازرگانی خارجی و روی آوردن به رویکردهای کل‌نگر و سیستمی است که تمامی اجزای اقتصاد، از تولیدکننده خرد داخلی تا شبکه‌های توزیع بین‌المللی را در قالب یک کل واحد و به هم پیوسته مورد تحلیل قرار می‌دهد. مسئله تنها دور زدن تحریم‌ها نیست، بلکه ایجاد یک مصونیت پایدار و نهادینه در برابر هرگونه ابزارسازی از تجارت جهانی توسط قدرت‌های هژمون است که این امر بدون مهندسی مجدد معماری زنجیره تامین امکان‌پذیر نخواهد بود (طاهری حسین‌خانی، ۲۰۲۵).

در سطح عملیاتی و اجرایی، یکی از بزرگترین موانع و چالش‌های موجود بر سر راه ایجاد یک زنجیره تامین تاب‌آور، ضعف مفرط زیرساخت‌های لجستیکی در مناطق مرزی و عدم یکپارچگی فرآیندهای گمرکی و ترانزیتی با کشورهای همسایه



است. عدم توسعه متوازن و هدفمند پایانه‌های مرزی، بنادر خشک و هاب‌های لجستیک چندوجهی، باعث شده است تا ظرفیت‌های عظیم ترانزیتی ایران معطل مانده و مسیرهای تجاری جایگزین قابلیت اطمینان لازم را برای تجار و بازرگانان عمده فراهم نیاورند. توسعه نیافتگی این پایانه‌ها که در ادبیات مدرن به عنوان دروازه‌های تنفسی اقتصاد در شرایط تحریم شناخته می‌شوند، رسوب کالا، افزایش دموراژ و افت کیفیت کالاهای استراتژیک وارداتی را به همراه داشته است که مستقیماً امنیت غذایی و دارویی جامعه را هدف قرار می‌دهد (جعفرپور قلعه‌تیموری و همکاران، ۲۰۲۵). از سوی دیگر، فقدان مکانیسم‌های کارآمد برای رصد و پایش مستمر زنجیره تامین بر مبنای تحلیل‌های داده‌محور و سناریوسازی‌های پیش‌دستانه، نهادهای متولی را همواره در موضع انفعال و واکنش پسینی قرار داده است. طراحی مدل‌های تاب‌آور مبتنی بر رویکردهای مبتنی بر سناریو، به ویژه در صنایع حیاتی نظیر صنایع غذایی و دارویی، یک نیاز کاملاً حیاتی است که می‌تواند ضریب موفقیت سیاست‌های تنظیم بازار را به میزان قابل توجهی ارتقا بخشد (نظری‌زاده و همکاران، ۲۰۲۳). مسئله این است که چگونه می‌توان با استفاده از ابزارهای تحلیلی نوین، گره‌های کور ارتباطی با تامین‌کنندگان منطقه‌ای را شناسایی کرده و با ایجاد شبکه‌های مویرگی و غیرمتمرکز، ضریب نفوذ کالا به داخل کشور را در شرایط اضطرار تضمین نمود. این امر همچنین مستلزم تحلیل دقیق پویایی‌های مرزی و تعاملات اقتصادی با کشورهای همجوار نظیر عراق و افغانستان است که به عنوان شرکای استراتژیک می‌توانند نقش مکمل را در تکمیل پازل زنجیره تامین کالاهای اساسی و صادرات محصولات مازاد ایفا نمایند (پیری، ۲۰۲۰).

اهمیت و ضرورت پژوهش

در نظام آشفته، قطبی شده و به شدت رقابتی اقتصاد جهانی امروز، که در آن ابزارهای اقتصادی و تجاری به طور روزافزونی به عنوان سلاح‌های ژئوپلیتیک مورد استفاده قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرند، حفظ جریان مستمر و بدون وقفه کالاهای استراتژیک مترادف با حفظ امنیت ملی و یکپارچگی سرزمینی است. اهمیت این پژوهش راهبردی در آن نهفته است که با خروج از چارچوب‌های صرفاً توصیفی و سنتی در تحلیل تجارت خارجی، به واکاوی دقیق و شبکه‌ای جریان‌های تامین کالا می‌پردازد و راهکارهای کاملاً عملیاتی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های ساختاری اقتصاد ایران ارائه می‌دهد. با توجه به جایگاه بی‌نظیر و استراتژیک ایران در نقشه تامین انرژی جهان و همچنین پتانسیل‌های عظیم صنایع پایین‌دستی آن نظیر صنعت پتروشیمی، ایجاد اختلال در زنجیره تامین تجهیزات و نهادهای این صنایع می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را با چالش‌های جدی و فلج‌کننده‌ای مواجه سازد (یاراحمدی و صادقی‌شاهدانی، ۲۰۲۴). بنابراین، تدوین یک سیاست صنعتی هوشمند و تاب‌آور که در آن تمامی حلقه‌های مفقوده و آسیب‌پذیر زنجیره ارزش مورد شناسایی دقیق و ایمن‌سازی قرار گرفته باشند، ضرورتی است که غفلت از آن هزینه‌های جبران‌ناپذیری برای نسل‌های آینده در پی خواهد داشت. این تحقیق با تبیین ارتباط معنادار میان توسعه هدفمند زیرساخت‌های انرژی و صنعتی با مقوله امنیت و ثبات ملی، نشان می‌دهد که چگونه یک زنجیره تامین پایدار می‌تواند به عنوان قدرتمندترین ابزار بازدارنده در برابر تهدیدات نرم و سخت خارجی عمل نماید و موازنه قدرت را در منطقه به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد (دیباوند، ۲۰۱۶). از این رو، نتایج مستخرج از این پژوهش می‌تواند به عنوان یک نقشه راه و سند بالادستی در اختیار تصمیم‌سازان کلان‌کشوری قرار گیرد.



از سوی دیگر، ضرورت این پژوهش در بستر تحولات شتابان و کلان‌روندهای حاکم بر بازارهای مالی و شبکه‌های بانکی بین‌المللی نیز قابل توجیه و اثبات است. در هم‌تنیدگی تجارت با شبکه‌های مالی باعث شده است که هرگونه تحلیل جامع در خصوص زنجیره تامین کالا، بدون در نظر گرفتن مکانیسم‌های پرداخت و تسویه حساب‌های ارزی، تحلیلی ناقص و ابتر باقی بماند. محدودیت‌های سیستماتیک و گسترده اعمال شده بر سیستم بانکی ایران، ایجاب می‌کند که ساختارهای مالی پشتیبان زنجیره تامین نیز به صورت شبکه‌ای، غیرمتمرکز و با بهره‌گیری از پیمان‌های پولی دوجانبه و چندجانبه با شرکای استراتژیک منطقه‌ای باطراحی شوند تا از توقف جریان فیزیکی کالا جلوگیری به عمل آید (رشید ارده و خزائی، ۲۰۱۶). علاوه بر این، در بستر ابتکارات عظیم ژئواکونومیک منطقه‌ای نظیر طرح یک کمربند-یک راه چین، تحلیل شبکه‌ای پیوندهای انرژی و تجارت میان ایران و قدرت‌های نوظهور، اهمیت بسزایی در ارتقای امنیت انرژی منطقه‌ای و توسعه پایدار اقتصادی ایفا می‌کند. قرار گرفتن ایران در چهارراه ترانزیتی و انرژی اوراسیا، این فرصت تاریخی را فراهم آورده است که کشور بتواند با ادغام هوشمندانه در شبکه‌های لجستیکی بین‌المللی، وابستگی متقابل ایجاد کرده و تحریم‌پذیری خود را به حداقل ممکن برساند (قلی‌زاده و همکاران، ۲۰۲۵). این پژوهش با تاکید بر این ضرورت‌های استراتژیک، تلاش دارد تا با عبور از مباحث انتزاعی و تئوریک محض، به ارائه مجموعه‌ای از یافته‌های تحلیلی و راهبردی بپردازد که مستقیماً در تدوین سیاست‌های کلان تنظیم بازار، مدیریت ریسک‌های سیستماتیک واردات و دیپلماسی اقتصادی اثربخش مورد استفاده قرار گیرند. ضرورت زمان و فوریت خنثی‌سازی تحریم‌ها، انجام چنین مطالعات عمیق و کاربردی را در صدر اولویت‌های پژوهشی اندیشکده‌ها و نهادهای حاکمیتی قرار داده است.

بخش دوم از چهار بخش مقاله

تعاریف و مبانی نظری پژوهش

مفهوم زنجیره تامین در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل فراتر از مبادلات تجاری صرف است و به شبکه‌ای درهم‌تنیده از بازیگران، جریان‌های مالی، اطلاعاتی و فیزیکی اشاره دارد که بقای اقتصادی یک کشور را تضمین می‌کنند. در شرایط بی‌ثباتی ژئوپلیتیک، تئوری‌های تاب‌آوری سازمانی و اقتصادی بر این باورند که سیستم‌های خطی به شدت مستعد فروپاشی هستند و برای حفظ جریان کالاهای استراتژیک، نیازمند گذار به رویکردهای شبکه‌ای و چندلایه می‌باشیم (نظری‌زاده و همکاران، ۲۰۲۳). کالاهای استراتژیک شامل آن دسته از نهادهای تولیدی، انرژی، اقلام دارویی و مواد غذایی هستند که هرگونه اختلال در تامین آن‌ها می‌تواند به سرعت به یک بحران امنیت ملی تبدیل شده و کارکردهای حیاتی دولت را فلج نماید. بر اساس مبانی نظری تحلیل شبکه‌های اجتماعی و اقتصادی، شناسایی گره‌های مرکزی و مسیرهای جایگزین در این شبکه‌ها به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا در برابر شوک‌های تحریمی، انعطاف‌پذیری لازم را از خود نشان دهند (موسوی و همکاران، ۲۰۲۶). در اقتصاد تحریم‌زده، مبانی سیاست صنعتی باید بر پایه ایمن‌سازی این زنجیره‌های ارزش در برابر تکانه‌های خارجی استوار گردد تا ضمن حفظ سطح تولید ملی، وابستگی به مبادی پرخطر کاهش یابد (شاهسواری و همکاران، ۲۰۲۲). این تغییر پارادایم، مستلزم درک عمیق از ماهیت پویا و غیرخطی تهدیدات نوین در عرصه اقتصاد جهانی است که در آن ابزارهای مالی و تجاری به عنوان سلاح مورد استفاده قرار می‌گیرند (طاهری حسین‌خانی، ۲۰۲۵). بنابراین، تاب‌آوری اقتصادی صرفاً یک مفهوم تدافعی نیست، بلکه یک استراتژی فعال برای



بازطراحی پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی با هدف افزایش هزینه‌های تحریم برای کشورهای متخاصم است (عباسی، ۲۰۲۵).

نظریه اقتصاد سیاسی تحریم‌ها تاکید می‌کند که کشورهای هدف باید ساختارهای حکمرانی اقتصادی خود را به گونه‌ای اصلاح کنند که کمترین میزان اصطکاک را با شوک‌های ناشی از قطع ارتباطات متعارف بانکی و تجاری داشته باشند. در این چارچوب، مفهوم دیپلماسی اقتصادی به عنوان نرم‌افزار مدیریت زنجیره تامین وارد عمل شده و تلاش می‌کند تا با ایجاد شبکه‌ای از منافع مشترک با قدرت‌های نوظهور نظیر چین و روسیه، یک چتر حمایتی در برابر فشارهای هژمونیک ایجاد نماید (موسوی شفیعی و کریمی، ۲۰۲۵). تحلیل شبکه بازیگران نشان می‌دهد که در اقتصادهای تحت تحریم، نقش واسطه‌ها، مناطق آزاد تجاری و پایانه‌های مرزی به عنوان دروازه‌های اصلی تبادل ارزش، به شدت پررنگ‌تر از شرایط عادی است و مدیریت کارآمد آن‌ها نیازمند رویکردهای غیرمتمرکز است (میمند و همکاران، ۲۰۲۵). از منظر تئوری‌های ژئواکونومیک، ادغام در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و بهره‌گیری از مزیت‌های ترانزیتی می‌تواند یک وابستگی متقابل ایجاد کند که به عنوان یک سپر دفاعی در برابر تحریم‌ها عمل می‌کند (قلی‌زاده و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت، این پژوهش با تلفیق مفاهیم تاب‌آوری، مدیریت زنجیره تامین شبکه محور و اقتصاد سیاسی بین‌الملل، چارچوبی تحلیلی را ارائه می‌دهد که قادر است پیچیدگی‌های تامین کالاهای حیاتی را در مواجهه با نااطمینانی‌های فزاینده جهانی تبیین نموده و راهکارهای کاربردی ارائه دهد (نعمت‌اللهی، ۲۰۲۳). این چارچوب به ما اجازه می‌دهد تا از نگاه خطی و سنتی به تجارت خارجی فاصله گرفته و پویایی‌های سیستماتیک و شبکه‌ای را مبنای تحلیل و سیاست‌گذاری‌های کلان در حوزه بازرگانی ملی قرار دهیم (همت‌افزا و همکاران، ۲۰۲۴).

یافته‌ها

تحلیل شبکه‌ای زیرساخت‌های لجستیک مرزی و شبکه‌های ترانزیتی

یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین یافته‌های استخراج شده از تحلیل داده‌های مرتبط با شبکه‌های توزیع کالا، نقش بسیار حیاتی و غیرقابل انکار زیرساخت‌های لجستیک مرزی در افزایش تاب‌آوری اقتصاد ملی است. بررسی‌های دقیق نشان می‌دهد که توسعه هدفمند و متوازن هاب‌های لجستیکی دریایی و مرزی، به ویژه در مناطق استراتژیکی که دارای مزیت همسایگی با چندین کشور هستند، می‌تواند به عنوان دروازه‌های تنفسی اقتصاد در شرایط انسداد کامل مسیرهای رسمی عمل نماید و جریان ورود کالاهای اساسی را با کمترین وقفه تضمین کند (جعفرپور قلعه‌تیموری و همکاران، ۲۰۲۵). در این راستا، تبیین و ارزیابی وضعیت استراتژیک در مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران و کشور عراق، به ویژه در شهرهای مرزی استان ایلام، مشخص می‌سازد که ایجاد شبکه‌های درهم‌تنیده تجاری محلی و بازارچه‌های مشترک، نه تنها به شکوفایی اقتصاد این مناطق محروم کمک شایانی می‌کند، بلکه یک مسیر موازی و کاملاً امن را برای تامین بخشی از نهاده‌های مورد نیاز صنایع داخلی به دور از رصدهای تحریمی فراهم می‌آورد (پیری، ۲۰۲۰). علاوه بر این، آشفته‌گی‌های فزاینده ژئوپلیتیک در سطح جهانی و پدیده تکه‌تکه شدن زنجیره‌های تامین سنتی، سیاست‌گذاران کلان را ناگزیر ساخته است تا با اتخاذ رویکردهای شبکه‌ای و چندلایه، مسیرهای ترانزیتی خود را بازتعریف نموده و از تمرکز بر یک مسیر واحد به شدت پرهیز نمایند تا آسیب‌پذیری ساختاری به حداقل ممکن کاهش یابد (طاهری حسین‌خانی، ۲۰۲۵). در همین



چارچوب مفهومی، تحلیل شبکه‌ای تجارت انرژی در بستر ابتکار عظیم یک کمر بند-یک راه با تمرکز ویژه بر همکاری‌های راهبردی میان ایران و چین، اثبات می‌کند که ادغام ساختارمند در این شبکه‌های لجستیکی بین‌المللی، یک وابستگی متقابل و پایدار ایجاد می‌کند که می‌تواند به عنوان یک سپر دفاعی مستحکم در برابر شوک‌های سیستماتیک اقتصادی عمل نماید (قلی‌زاده و همکاران، ۲۰۲۵). پیوستن به این مگا پروژه‌های ترانزیتی، توزیع ریسک را در سراسر شبکه تامین ممکن می‌سازد.

تاب‌آوری زنجیره ارزش در صنایع استراتژیک، انرژی و معادن

واکاوای ساختارهای تولیدی در بخش‌های حیاتی اقتصاد نشان می‌دهد که صنعت پتروشیمی به عنوان ستون فقرات صادرات غیرنفتی کشور، نیازمند یک بازنگری بنیادین در سیاست‌های صنعتی با رویکرد سیستمی است تا بتواند پایداری شبکه‌های تامین تجهیزات و کاتالیست‌های خود را در محیط پر آشوب کنونی حفظ نماید (باراحمدی و صادقی شاهدانی، ۲۰۲۴). استفاده از رویکردهای نوین آمار استنتاجی نظیر رویکرد بیزی خطی برای بررسی اثرات ریسک‌های زنجیره تامین در صنایع نفت، این واقعیت را نمایان می‌سازد که شاخص تاب‌آوری اقتصادی ارتباطی مستقیم و کاملاً معنادار با توانمندی این صنایع در پیش‌بینی شوک‌ها و ایجاد مسیرهای جایگزین برای تامین قطعات حساس و تکنولوژی‌های پیشرفته دارد (مظاهری و همکاران، ۲۰۲۵). از منظر اقتصاد سیاسی امنیت ملی، صادرات گاز طبیعی از طریق خطوط لوله و ال‌ان‌جی صرفاً یک فعالیت تجاری و درآمدزا نیست، بلکه ابزاری استراتژیک است که با گره زدن امنیت انرژی کشورهای منطقه به جریان صادراتی ایران، هزینه‌های اعمال تهدیدات نظامی و اقتصادی علیه کشور را به صورت تصاعدی افزایش می‌دهد و نوعی بازدارندگی شبکه‌ای خلق می‌کند (دیباوند، ۲۰۱۶). همچنین، ارزیابی راهبردی هاب‌های معدنی با استفاده از چارچوب‌های کل‌نگر و فازی نشان می‌دهد که عناصری مانند آنتیموان به عنوان مواد معدنی استراتژیک، نیازمند طراحی زنجیره‌های تامین کاملاً محافظت‌شده و شبکه‌ای هستند تا از خام‌فروشی آن‌ها جلوگیری شده و در چرخه‌های تولید با فناوری بالا مورد بهره‌برداری قرار گیرند (سرخیل و همکاران، ۲۰۲۵). بی‌ثباتی‌های مکرر در تامین انرژی بخش صنعت نیز نیازمند پاسخ‌های استراتژیک و توسعه مدل‌های غیرمتمرکز در مدیریت زنجیره تامین است تا از توقف‌های زیان‌بار خطوط تولید در زمان پیک مصرف یا بحران‌های مقطعی پیشگیری به عمل آید (طالقانی و سولا، ۲۰۲۵).

نقش دیپلماسی اقتصادی، سیاست‌های پولی و بازسازی هویت تجاری

طراحی یک مدل جامع برای تحلیل سیاست تجارت خارجی در حوزه کالاهای اساسی تحت شرایط تحریم‌های سخت‌گیرانه، مستلزم آن است که دستگاه دیپلماسی اقتصادی با اتخاذ رویکردی کاملاً شبکه‌ای، مسیرهای غیررسمی و کانال‌های مالی موازی را برای خنثی‌سازی محدودیت‌های بین‌المللی شناسایی و فعال نماید (همت‌افزا و همکاران، ۲۰۲۴). در این عرصه پرقاب، برندسازی ملی ایران از منظر حکمرانی اقتصاد بین‌الملل با چالش‌های جدی و تصویرسازی‌های منفی مواجه است که ترمیم این هویت تجاری برای جلب اعتماد شرکای جدید و ادغام در شبکه‌های تامین شرقی، نیازمند تدوین استراتژی‌های رسانه‌ای و تجاری بسیار منسجم و هماهنگ می‌باشد (جلیلیان، ۲۰۲۵). ایفای نقش ایران به عنوان یک قدرت میانی موازنه‌گر در منطقه، ایجاد می‌کند که پارادایم سیاست خارجی کشور از نگاه‌های سنتی و تک‌بعدی فاصله گرفته و با درک پویایی‌های شبکه‌ای، به سمت ائتلاف‌سازی‌های اقتصادی با بلوک‌های قدرت نوظهور و



سازمان های منطقه ای حرکت نماید (موسوی شفایی و کریمی، ۲۰۲۵). تحلیل اثرات متقاطع و ساختاری کلان روندهای موثر بر آینده صنعت بانکداری نیز تایید می کند که سیستم های مالی سنتی کشور کارایی خود را از دست داده اند و توسعه زیرساخت های پولی مبتنی بر فناوری های نوین و ایجاد پیام رسان های مالی منطقه ای، شاهرگ حیاتی و غیرقابل جایگزین برای پشتیبانی از تجارت کالاهای استراتژیک محسوب می شود (رشید ارده و خزائی، ۲۰۱۶). اقتصاد سیاسی سیاست های صنعتی در ایران نشان می دهد که دولت باید با عبور از تصدی گری و توزیع رانت، نقش یک تسهیل گر را ایفا نموده و با رفع موانع کسب و کار، بستر لازم را برای شبکه سازی میان بنگاه های اقتصادی فراهم آورد (نعمت الهی، ۲۰۲۳). شناسایی دقیق مولفه های حاکم بر ارزیابی سیاست های صنعتی در خوشه های کسب و کارهای کوچک و متوسط، نشانگر آن است که این بنگاه های چابک می توانند نقش حیاتی و تامین کننده در بومی سازی قطعات و کاهش وابستگی صنایع بزرگ ایفا کنند (شاهسواری و همکاران، ۲۰۲۲).

الگوبرداری از تاب آوری جهانی، مدیریت بحران و مهار شبکه های غیررسمی

چالش های پیچیده سیاسی و مکانیسم های مدیریت بحران در جمهوری اسلامی ایران، پیوند بسیار ناگسستنی و عمیقی با مقوله امنیت اقتصادی دارند و هرگونه اختلال در زنجیره تامین اقلام حیاتی می تواند به سرعت به یک بحران گسترده اجتماعی و امنیتی تبدیل گردد که نیازمند استقرار سیستم های هشدار سریع و مدیریت یکپارچه است (عباسی، ۲۰۲۵). تحلیل شبکه های اجتماعی و بررسی مدل های تاب آوری زنجیره ارزش میان قدرت های بزرگ اقتصادی نظیر ایالات متحده و چین، این درس راهبردی را به همراه دارد که در جنگ های تجاری، استراتژی های تنوع بخشی به مبادی تامین و حمایت شبکه ای از تولیدکنندگان داخلی، موثرترین راهکار برای جلوگیری از فروپاشی بازارهای ملی می باشد (موسوی و همکاران، ۲۰۲۶). طراحی و استقرار مدل های تاب آور زنجیره تامین مبتنی بر رویکردهای سناریوسازی، همانند آنچه در زنجیره تامین لبنیات کاله مورد مطالعه قرار گرفته است، نشان می دهد که پیش بینی دقیق تکان های بازار و ایجاد ظرفیت های مازاد، می تواند از نایاب شدن کالاهای اساسی و مصرفی مردم در شرایط تورمی و تحریمی جلوگیری نماید (نظری زاده و همکاران، ۲۰۲۳). از سوی دیگر، تحلیل شبکه کنشگران و ذینفعان در حوزه پیشگیری از قاچاق کالاهای سلامت محور، این واقعیت تلخ را آشکار می سازد که فعالیت شبکه های غیررسمی و قاچاق سازمان یافته، ساختار تامین رسمی دارو و تجهیزات پزشکی را به شدت تخریب نموده و سلامت جامعه را با مخاطرات جدی روبرو ساخته است که مهار آن نیازمند نظارت های هوشمند و شبکه ای است (میمند و همکاران، ۲۰۲۵). در نهایت، توسعه زنجیره های تامین رقابتی تحت شرایط تحریم، منوط به در نظر گرفتن استراتژی های بازگشت پذیر و منعطف است تا در صنایع بسیار حساسی نظیر تجهیزات پزشکی، در صورت مسدود شدن یک مسیر، بلافاصله کانال های جایگزین و از پیش تعیین شده وارد عمل شوند (حسنی، ۱۳۹۴).

جدول ۱: مولفه های تحلیل شبکه ای و استراتژی های تاب آوری در زنجیره تامین کالاهای استراتژیک

ابعاد و حوزه های تحلیل شبکه ای	مولفه های استراتژیک و اقدامات کلیدی	پیامدهای مورد انتظار و دستاوردها در شرایط تحریم
--------------------------------	-------------------------------------	---



کاهش توقف کالا، خنثی سازی مسیره های رسمی تحریم شده، رونق مرزها	توسعه پایانه های چندوجهی، ایجاد بازارچه های مرزی با کشورهای همسایه	زیرساخت های لجستیک مرزی و ترانزیت
حفظ درآمدهای ارزی، جلوگیری از خام فروشی، تداوم خطوط تولید	کنسرسیون های تامین مشترک، ارزیابی فازی هاب های معدنی، بومی سازی	تاب آوری صنایع بزرگ (پتروشیمی و معدن)
کاهش سلطه دلار، تسویه امن تبادلات، ادغام در بلوک های قدرت شرقی	پیمان های پولی دوجانبه، پیام رسان های مالی منطقه ای، ترمیم برند ملی	دیپلماسی اقتصادی و سیستم های پولی
پیشگیری از قحطی مقطعی، تنظیم مستمر بازار، افزایش امنیت روانی جامعه	طراحی مدل های مبتنی بر سناریو، ذخیره سازی استراتژیک نهاده های تولید	مدیریت بحران و سناریو سازی کالاهای اساسی
حفظ اصالت کالاهای سلامت محور، هدایت سرمایه به سمت تولید رسمی	رصد هوشمند شبکه ذینفعان، شفاف سازی فرآیندهای گمرکی و توزیع داخلی	مهار اقتصاد غیررسمی و قاچاق

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف واکاوی و تحلیل شبکه ای زنجیره تامین کالاهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در عصر بی ثباتی های فزاینده جهانی و تشدید تحریم های هوشمند اقتصادی به انجام رسید. جهان امروز در یک دوره گذار پراشتهاب قرار دارد که در آن، ابزارهای اقتصادی و تجاری به طور فزاینده ای به عنوان تسلیحات ژئوپلیتیک برای اعمال فشار بر کشورهای مستقل مورد استفاده قرار می گیرند و مرزهای میان اقتصاد و امنیت ملی بیش از هر زمان دیگری در هم آمیخته است. در چنین فضای پرتنش، رویکردهای سنتی، خطی و متمرکز در مدیریت تجارت خارجی و تامین اقلام حیاتی، کارایی و اثربخشی خود را به طور کامل از دست داده و اقتصاد ملی را در معرض آسیب پذیری های شدید و شکننده ای قرار داده اند. نتایج این واکاوی عمیق و راهبردی به وضوح نشان داد که یگانه مسیر مطمئن برای عبور از این بحران های درهم تنیده و حفظ امنیت پایدار اقتصادی، گذار فوری و هوشمندانه به سمت معماری شبکه ای در زنجیره های تامین و ارتقای سطح تاب آوری ملی از طریق ایجاد وابستگی های متقابل نامتقارن و چندلایه با محیط پیرامونی است. عدم توجه به این ضرورت تاریخی، نه تنها مانع از توسعه اقتصادی خواهد شد، بلکه تاب آوری اجتماعی جامعه را نیز در برابر کمبودهای احتمالی به شدت تحلیل خواهد برد.

یکی از مهم ترین دستاوردهای این تحلیل، اثبات ناکارآمدی اتکالی صرف به مبادی وارداتی محدود و مسیرهای ترانزیتی انحصاری در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی بود. اقتصاد ایران به واسطه موقعیت بی بدیل جغرافیایی خود در نقطه تلاقی کریدورهای استراتژیک شمال-جنوب و شرق-غرب، پتانسیل عظیمی برای تبدیل شدن به یک هاب لجستیک منطقه ای



غیرقابل تحریم را داراست، اما این امر صرفاً مشروط بر آن است که زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری آن بر مبنای منطق شبکه‌ای، مدرن و کارآمد توسعه یابد. توسعه متوازن پایانه‌های مرزی با کشورهای همسایه، تجهیز مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به فناوری‌های نوین پردازش کالا، و یکپارچه‌سازی فرآیندهای گمرکی و استانداردسازی با همسایگان، می‌تواند شبکه‌ای مویرگی، غیرمتمرکز و به شدت منعطف را خلق کند که در زمان بروز شوک‌های بیرونی، جریان ورود نهاده‌های تولید و کالاهای اساسی را بدون هیچ‌گونه وقفه‌ای تضمین نماید. در این معماری نوین و چندوجهی، کشورهای همجوار و قدرت‌های نوظهور شرقی نه تنها به عنوان شرکای تجاری مقطعی، بلکه به عنوان گره‌های حیاتی در یک شبکه توزیع ریسک ایفای نقش می‌کنند که منافع بلندمدت آن‌ها با ثبات اقتصادی و سیاسی ایران به شدت گره خورده است و این همگرایی خود بالاترین سطح از بازاریابی را ایجاد می‌کند.

در بخش صنایع استراتژیک نظیر پتروشیمی، انرژی و معادن، که شریان‌های اصلی حیات اقتصادی و منبع اصلی تامین درآمدهای ارزی کشور به شمار می‌روند، لزوم بازطراحی شبکه‌های تامین تجهیزات و مواد اولیه بیش از پیش احساس می‌شود. این صنایع عظیم برای حفظ پایداری تولیدات خود در برابر تکانه‌های تحریمی و جلوگیری از توقف خطوط تولید، نیازمند تشکیل کنسرسیوم‌های مشترک تامین با شرکای بین‌المللی، توسعه دیپلماسی فناوری با کشورهای همسو، و حمایت قاطع و عملی از شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی برای بومی‌سازی حلقه‌های بحرانی و پرخطر زنجیره ارزش هستند. ایجاد ذخایر استراتژیک هوشمند، استفاده از مدل‌های پیش‌بینی تقاضا و تنوع‌بخشی به سبد صادراتی و وارداتی، از جمله راهکارهای عملیاتی است که می‌تواند حاشیه امنی را برای این صنایع کلیدی فراهم آورده و از سرریز شدن بحران‌های مقطعی آن‌ها به سایر بخش‌های اقتصاد ملی، از جمله بخش کشاورزی و دارویی، به صورت موثری جلوگیری کند. در واقع، پیوند زدن امنیت انرژی و تامین مواد اولیه کشورهای بزرگ صنعتی منطقه به جریان پایدار صادرات ایران، یک سپر دفاعی و ژئواکونومیک قدرتمند را ایجاد می‌کند که هزینه‌های اعمال محدودیت و تحریم را برای بازیگران متخاصم غربی به شدت و تا سرحد غیرممکن بودن افزایش خواهد داد.

از منظر اقتصاد سیاسی و سیاست‌گذاری صنعتی، این پژوهش بر ضرورت تغییر و دگردیسی نقش دولت از یک مداخله‌گر تصدی‌گر و قیمت‌گذار به یک تنظیم‌گر هوشمند، ناظر و تسهیل‌گر شبکه‌ای تاکید می‌ورزد. سیاست‌های صنعتی دستوری و ایجاد انحصارهای دولتی یا شبه‌دولتی در واردات کالاهای استراتژیک، نه تنها در طول سالیان گذشته به افزایش تاب‌آوری ملی کمکی نکرده، بلکه با ایجاد گلوگاه‌های رانت، فساد و ناکارآمدی تخصیص منابع، زنجیره تامین را به شدت آسیب‌پذیر و در برابر تکانه‌های قیمتی ارز شکننده ساخته است. برای تحقق یک اقتصاد مقاوم، پویا و درون‌زا، الزامی است که با رفع فوری موانع فضای کسب‌وکار و ایجاد شفافیت کامل اطلاعاتی، زمینه برای مشارکت آزادانه و فعالانه بخش خصوصی واقعی و خوشه‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در مدیریت زنجیره‌های تامین فرامرزی فراهم گردد. این بنگاه‌های کوچک با چابکی، نوآوری و انعطاف‌پذیری ذاتی خود، می‌توانند به عنوان مویرگ‌های حیاتی در شبکه کلان تامین عمل کرده و نیازهای فوری قطعات و تجهیزات صنایع بزرگ را در شرایط انسداد کامل کانال‌های رسمی و بوروکراتیک برآورده سازند و خون تازه‌ای در رگ‌های صنعت جاری کنند.

همچنین، مسئله حیاتی زیرساخت‌های مالی و بانکی پشتیبان تجارت خارجی، محوری‌ترین چالشی است که بدون حل ریشه‌ای آن، هیچ‌یک از راهبردهای شبکه‌ای در بخش واقعی اقتصاد قابلیت اجرای کامل و پایدار نخواهند داشت. وابستگی



تاریخی تجارت خارجی کشور به دلار آمریکا و سیستم‌های پیام‌رسان مالی تحت تسلط غرب، به ابزاری مرگبار برای محاصره اقتصادی و فلج کردن شریان‌های تجاری ایران تبدیل شده است. خروج استراتژیک از این محاصره نیازمند یک دیپلماسی مالی جسورانه، چندجانبه و مبتکرانه است که از طریق توسعه هدفمند پیمان‌های پولی دوجانبه با شرکای اصلی، ایجاد مکانیسم‌های تهاثر هوشمند و چندجانبه کالا با کالا، و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مالی، شبکه‌ای کاملاً مستقل، غیرمتمرکز و امن را برای تسویه حساب‌های تجاری ایجاد نماید. این شبکه مالی جایگزین، پنهان و غیرقابل تحریم، به عنوان نیروی محرکه در زنجیره تامین فیزیکی عمل کرده و پویایی آن را در سخت‌ترین شرایط بین‌المللی تضمین می‌کند تا واردات اقلام حیاتی نظیر گندم، دارو و نهاده‌های دامی هرگز با وقفه مواجه نگردد.

در جمع‌بندی نهایی و پایانی، باید با قاطعیت اذعان داشت که تامین امنیت پایدار کالاهای استراتژیک در جهان پرتلاطم و غیرقابل پیش‌بینی کنونی، یک پروژه مقطعی یا صرفاً اقتصادی نیست، بلکه یک فرآیند مستمر، چندوجهی و کاملاً مرتبط با امنیت ملی است که مستلزم همگرایی، همدلی و انسجام کامل تمامی ارکان حاکمیت، بخش خصوصی، نهادهای علمی و دستگاه دیپلماسی کشور می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران برای حفظ استقلال همه‌جانبه، عبور ظفرمندانه از سد تحریم‌ها و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک خود در نظم نوین جهانی در حال شکل‌گیری، چاره‌ای جز بازتعریف الگوهای سنتی تجارت خارجی خود بر مبنای منطق شبکه‌ای، ایجاد وابستگی‌های متقابل استراتژیک با قدرت‌های منطقه‌ای، و نوسازی بنیادین زیرساخت‌های لجستیکی و مالی خود ندارد. استقرار یک سیستم حکمرانی اقتصادی کاملاً هوشمند، داده‌محور و به شدت انعطاف‌پذیر که قادر به پیش‌بینی زود هنگام شوک‌ها و واکنش سریع، هدفمند و پیش‌دستانه به آن‌ها باشد، یگانه راهکار قطعی و تضمین‌شده برای خنثی‌سازی اثرات تحریم‌ها، حفظ رفاه عمومی و تضمین شکوفایی و اقتدار اقتصاد ملی در دهه‌های حساس پیش رو خواهد بود که این امر تنها با اتکا به دانش بومی و دیپلماسی فعال محقق می‌گردد.

منابع

Yarahmadi, M., & Sadeghi Shahdani, M. (۲۰۲۴). Analysis of Industrial Policy Components Based on a Systematic Study of the General Policies of the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on the Petrochemical Industry. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 12(۴۷), ۶۱۶-۶۵۴.

Nazarizadeh, F., Motevalli, S. H. O., & Mir Shah Velayati, F. (۲۰۲۳). Designing a resilient supply chain model via scenario-based approach: A study of Kaleh dairy supply chain in a ten-years horizon. *Iranian journal of management sciences*, 18(۶۹), ۱۳۵-۱۶۲.



- Hematafza, O., Ahmadi, M., & Ghaffari, R. (۲۰۲۴). Providing a Model for Analyzing Foreign Trade Policy of Essential Goods under Economic Sanctions. *Majlis and Rahbord*, 31(۱۱۹), ۵-۳۶.
- Nematollahi, S. (۲۰۲۳). Political Economy of Industrial Policy in Iran. *Development of humanities*, 4(۷), ۶۷-۹۶.
- Shahsavari, H., Taheri Goodarzi, H., & Kameli, M. J. (۲۰۲۲). Identifying the main components and indicators governing the industrial policy evaluation model with a production boom approach in small and medium business clusters. *Iranian journal of management sciences*, 17(۶۶), ۱۴۵-۱۶۸.
- Dibavand, H. (۲۰۱۶). Analytical Investigation of the Possibility of Promoting National Security and Increasing the Cost of Military Threat to the Islamic Republic of Iran through the Export of Gas via Pipeline and LNG. *Security Horizons*, 8(۲۹), ۴۷-۸۸.
- Rashid Ardeh, H., & Khazaei, S. (۲۰۱۶). Analysis of mega trends effective on future market of banking industry based on structural/cross impact analysis. *New Marketing Research Journal*, 6(۳), ۵۷-۸۶.
- Piri, R. (۲۰۲۰). making clear and Assessment of the situation strategy in the border areas of the Islamic Republic of Iran and Iraq (a case study: border cities of Ilam province). *Basij Strategic Studies*, 23(۸۸), ۱۲۴-۱۵۸.
- Meymand, F. M., Takian, A., & Jaafari-pooyan, E. (۲۰۲۵). Actor-network and stakeholder analysis in preventing health goods smuggling in Iran. *Globalization and Health*, 21(۱), ۵۲.
- Taleghani, M., & Sola, M. J. (۲۰۲۵). Strategic Responses to Energy Instability: Supply Chain Man-agement in Iran's Industrial Sector. *Archives of Humanities & Social Sciences Research*, 2(۱).
- Mousavi, M. A., Pourrostami, N., & Kalhor, Z. (۲۰۲۶). The US-China Value Chain Resilience (۲۰۱۲-۲۰۲۰): Social Networking Analysis (SNA). *Journal of World Sociopolitical Studies*, 10(۱), ۱۵۷-۲۰۰.
- Taheri Hosseinkhani, N. (۲۰۲۵). Geopolitical turmoil, supply-chain realignment, and inflation: Commodity shocks, trade fragmentation, and policy responses. *Supply-Chain Realignment, and Inflation: Commodity Shocks, Trade Fragmentation, and Policy Responses (August 28, 2025)*.
- Gholizadeh, A., Yu, J., & Saneinia, S. (۲۰۲۵). Energy resilience and sustainable development: a network analysis of BRI energy trade with a focus on China-Iran cooperation. *Environment, Development and Sustainability*, ۱-۳۰.
- Jalilian, H. (۲۰۲۵). Iran's nation branding from the perspective of international economic and trade governance: requirements, challenges, and strategies. *Journal of Strategic Management Studies*, 16(۶۳), ۱-۱۶.
- Abbasi, E. (۲۰۲۵). Political challenges and crisis management in the Islamic Republic of Iran: a comprehensive analysis. *Discover Global Society*, 3(۱), ۹۳.



Jafarpour Ghalehtimouri, K., Khedmatzadeh, A., & Jabbarnezhad, B. (۲۰۲۵). Identifying effective drivers in the development of border and maritime logistics hubs and their impact on international relations. *Discover Global Society*, 3(۱), ۹۵.

Mousavi Shafaei, S. M., & Karimi, H. R. (۲۰۲۵). Iran as a middle power balancer: (Time for a paradigm shift in Iranian foreign policy). *Journal of World Sociopolitical Studies*, 9(۱), ۱۹۳-۲۲۶.

Mazaheri, F., Karimi, F., & Aghasi, S. (۲۰۲۵). Investigating the Effect of Supply Chain Risks on the Economic Resilience Index in Iran's Oil Industries Based on Linear Bayesian Approaches. *Environmental Energy and Economic Research*, 9(۳), eS۱۰۹.

Sarkheil, H., Salahjou, T., & Rahbari, S. (۲۰۲۵). A fuzzy holistic framework for strategic assessment of mineral hubs in the energy section: A case study of antimony in Iran. *Results in Engineering*, 27, ۱۰۷۰۳۴.

حسینی، ع. ا. (۱۳۹۴). طراحی زنجیره تأمین رقابتی تحت شرایط تحریم با در نظر گرفتن استراتژی‌های بازگشت‌پذیر:

نمونه موردی صنایع تجهیزات پزشکی ایران. سومین کنفرانس بین‌المللی اقتصاد در شرایط تحریم، بابلسر.